

Examining the Ethical Principles of Privatization of Non-Judicial Duties of the Judiciary Based on the Requirements of Judicial Transformation

Abstract

The fatness of the judiciary has led it to deviate from its inherent duty of resolving disputes. In order for the judiciary to be able to easily address the core mission of the judiciary, agility is needed. With the ethical principles of privatization of non-judicial duties of this branch and its affiliated institutions, the handling of matters of a judicial nature is carried out properly in this branch. In this article, the authors ask the question, "How can the ethical principles of privatization of non-judicial affairs be implemented from the judiciary?" Privatization of transferable affairs and maximum use of popular capacities are mentioned. Therefore, in this article, we intend to explain the specialized principles of the judiciary, the ways of ethical principles of privatization of affairs and subordinate institutions of the judiciary by joining them to other ministries such as the Ministry of Justice or the private sector and the use of public capacity with agility approach. And review the maintenance of the specialized powers of the judiciary.

Keywords: Judiciary, Ethical Principles of Privatization, Judicial Nature, Judicial Transformation Document, Non-Judicial Affairs.

بررسی اصول اخلاقی خصوصی سازی وظایف غیر قضایی قوه قضاییه مبتنی بر الزامات تحول قضایی

مرتضی راسخی^۱

سید محمد مهدی غمامی^۲

احسان سامانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۲۸

چکیده

فربه شدن قوه قضاییه سبب شده است تا این قوه از انجام وظیفه ذاتی خود که رسیدگی به حل و فصل اختلافات است دور شود. برای اینکه قوه قضاییه بتواند به سهولت به رسالت اصلی امر قضا پردازد مستلزم چابک سازی است. با اصول اخلاقی خصوصی سازی وظایف غیرقضایی این قوه و نهادهای وابسته به آن، رسیدگی صورت می‌پذیرد. در این مقاله سؤال نگارندگان است که «چگونه می‌توان اقدام به اصول اخلاقی خصوصی سازی کرد؟» چنانکه در سند تحول قضایی نیز به این مهم توجه شده و به سازوکار کاهش حجم ساختار با تجمیع واحدهای سازمانی متجانس، اصول اخلاقی خصوصی سازی امور قابل واگذاری و بهره‌مندی حداکثری از ظرفیت‌های مردمی اشاره شده است. از این رو در این مقاله بر آنیم تا با تبیین موضوعات تخصصی قضائی، راه‌های اصول اخلاقی خصوصی سازی امور آنها به وزارتخانه‌های دیگر از جمله وزارت دادگستری یا بخش خصوصی و استفاده از ظرفیت‌های مردمی را با رویکرد چابک سازی و حفظ صلاحیت‌های تخصصی قوه قضاییه بررسی کنیم.

کلیدواژه: ماهیت قضایی، سند تحول قضایی، امور غیرقضایی.

مقدمه

در سال ۱۳۷۷ با تشکیل کمیته‌های کارشناسی، بحث‌ها پیرامون اصل ۴۴ قانون اساسی آغاز گردید و در نهایت پس از ۵ سال کار مستمر و متناوب و دو سال بعد اولین مصوبات آن جهت اجرا ابلاغ گردید و اجرای اصل ۴۴ در ارتباط با بخش‌هایی از دولت به مرحله اجرا گذاشته شد و این امر مقدمات خصوصی‌سازی در بخش‌های خاص دولتی و ارائه راهکار و مباحث خاص مدیریتی در این زمینه گردید. لیکن در ارتباط با حضور بخش خصوصی در مدیریت قضایی کشور بایستی کمی به تاریخ حقوقی و به نظام قضایی اسلام دارد. برای حل و فصل سریع، عادلانه و فارغ از تمرکزگرایی دعاوی استفاده از قاضی تحکیم پیش‌بینی شده که به تعبیری به معنی خصوصی کردن قضاوت بوده است و بر این اساس اصحاب دعوا می‌توانند خارج از نظام قضایی متمرکز حکومتی، فرد واجد شرایط را انتخاب نمایند و فصل خصومت را از این طریق پیگیری کنند (نجفی، ۱۳۸۴: ۱۲۵).

نهادهای حاکمیتی و نهادهای عمومی غیردولتی به‌منظور انجام وظایفی که قانون اساسی بر عهده این قوه گذاشته شده است و به‌منظور اجرای سریع و صحیح می‌کند. و علاوه بر آن در مقدمه این سند نیز آمده است که معاونت‌ها، واحدهای قضایی ملی و سازمان‌های تابعه موظف‌اند، چابک‌سازی قوه قضاییه با ادغام معاونت‌ها و برون‌سپاری نهادهای وابسته به قوه قضاییه از چارت سازمانی این قوه و الحاق آن‌ها به وزارت دادگستری و نهادهای مردمی از طریق روش‌های مصرح در سند تحول قضایی موجب پیامدهایی مانند عدالت و رضایتمندی مردم خواهد شد. در بدنه قوه قضاییه عواملی (علت ریشه‌های اولویت‌دار پدیدآورنده چالش یا استمراردهنده آن) وجود دارد که باعث شکل گرفتن چالش (مسئله کلیدی نشانگر ابعاد مختلف عدم تحقق کامل مأموریت در این قوه شده است. به عبارتی این عوامل دست و پای قوه قضاییه را برای حرکت به سمت اجرای صحیح عدالت و انجام رسالت راستین این قوه بسته است. فربه شدن این قوه با شکل‌گیری معاونت‌های مختلف که عمدتاً دارای کار مشابه و وظایف یکسان می‌باشند در درون این نهاد حاکمیتی و همچنین قرار گرفتن نهادهای غیرقضایی و نهادهای وابسته به قوه قضاییه در چارت سازمانی آن از عواملی هستند که موجب چالش اساسی برای قوه قضاییه شده است.

در مبحث سازماندهی ساختار سازمانی قوه قضاییه در سند تحول قضایی، به اصلاح ساختار سازمانی و شرح وظایف واحدها و پست‌های سازمانی قوه قضاییه با کاهش حجم ساختار با تجمیع واحدهای سازمانی متجانس، برون‌سپاری امور قابل واگذاری و بهره‌مندی حداکثری از ظرفیت‌های مردمی پیش‌بینی شده است. در این مبحث به جلب مشارکت نهادهای مردمی و ارائه خدمات نظیر پیشگیری و مقابله با فساد، حمایت از زندانیان و اصول اخلاقی خصوصی سازی خدمات قابل واگذاری به بخش خصوصی در چارچوب قوانین و مقررات موجود و احصاء فهرست سایر خدمات قابل واگذاری به بخش خصوصی اشاره شده است.

از مهم‌ترین چرخش‌های تحول‌آفرین در قوه قضاییه که در سند تحول قضایی به آن اشاره شده است عبارتند از: نگاه بخشی قوه قضاییه به همکاری و هم‌افزایی سازنده و مؤثر با سایر قوا برای دستیابی به آرمان‌های متعالی

برای شکل‌گیری تمدن اسلامی ایرانی و مدیریت متمرکز و اکتفا به ظرفیت‌های درون‌سازمانی به مدیریت مشارکت‌جو و مردم محور.

در این راستا همان‌گونه که قبل از انقلاب اسلامی بسیاری از این نهادها و سازمان‌ها در زیرمجموعه وزارت دادگستری و در چارت سازمانی این وزارت تعریف شده بود، و به وزارت دادگستری واگذار شوند و در بسیاری از امور نیز باید از ظرفیت‌های نهادهای مردمی استفاده شود.

۲. ادغام معاونت‌ها در بدنه قوه قضاییه

به منظور چابک‌سازی هرچه بیشتر این قوه تغییراتی نیز باید در درون چارت قوه صورت پذیرد. نهاد قضایی همانند دیگر نهادها به منظور پیش برد اهداف و وظایفی که برابر با قانون به آن محول شده است درای معاونت‌های مختلف متناسب با شرح وظایف خود است که این معاونت‌ها به‌قرار ذیل است: معاونت منابع انسانی، معاونت مالی و پشتیبانی و عمرانی، معاونت امور فرهنگی و اجتماعی.

این معاونت‌ها بر اساس آیین‌نامه‌های درون‌سازمانی قوه قضاییه دارای وظایف مشخص و بعضاً مشابهی هستند. معاونت منابع انسانی عهده‌دار وظایفی است: تدوین طرح‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت آموزش در چارچوب سیاست‌ها و اهداف کلان قوه قضاییه، آموزش ضمن خدمت و بلندمدت منابع انسانی، ارزیابی و توسعه شایستگی مدیران، استعدادیابی و جان‌شین پروری، شناسایی و جذب و حمایت از نخبگان، طراحی نظام شناسایی، کسب و حفظ و اشتراک‌گذاری دانش و تجارب ارزنده افراد در قوه قضاییه و دیگر وظایفی که این معاونت بر عهده دارد. اغلب وظایفی که برای معاونت منابع انسانی بیان شد، با یکدیگر وجود دارد.

دیگر معاونت‌هایی که در قوه قضاییه وجود دارد و تقریباً اعمال مشابهی را عهده‌دار هستند، معاونت مالی و پشتیبانی و معاونت امور مالی و اداری است که وظایف مشترک آن‌ها به این شرح است: برنامه‌ریزی، هماهنگ‌سازی، اجرا، نظارت و ارزیابی امور مالی، کنترل و نظارت بر عملکرد مالی، نظارت بر هزینه‌ها با توجه به بودجه مصوب، تعیین سیاست‌های کلان، برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت امور مالی، لذا با توجه به این وظایف ادغام این دو معاونت نیز موجب چابک‌سازی قوه قضاییه می‌شود.

عمدتاً دارای وظایف مشترک می‌باشند که اگر این دو معاونت نیز با یکدیگر ادغام شوند کوچک‌سازی در درون قوه به‌درستی صورت گرفته است. اهم وظایف مشابه این دو معاونت به این قرار است: ارائه نظریه‌های مشورتی در امور قضایی و حقوقی، بررسی و اظهارنظر حقوقی در خصوص قراردادهای قوه، جمع‌آوری، تنظیم و انتشار نظریه‌های مشورتی، دفاع از دعاوی طرح‌شده علیه دستگاه قضا

اما در ارتباط با باید اشعار داشت، پیشگیری از جرم تلاش برای کاهش و جلوگیری از قربانی جرم و جنایت و جنایت‌کاران است. این به‌طور خاص به تلاش‌های انجام شده توسط دولت‌ها برای کاهش جرم و جنایت، اجرای قانون و حفظ عدالت کیفری اطلاق می‌گردد. به عبارتی، تدابیر و سیاست‌هایی که برای جلوگیری از جرم به کار گرفته می‌شوند، تعریف نمود. این تعریف بیانگر آن است که پیشگیری از جرم ممکن است در قالب اقدامات (فعل) باشد. مانند اینکه مجرمان مجازات شده و عامل عبرت دیگران باشند یا تدابیری برای پیشگیری اتخاذ شود. این تدابیر ممکن است در جهت تضعیف موقعیت بزه‌کاران بالفعل یا بالقوه، تغییر شرایط ارتکاب

جرم و تسهیل دستگیری مرتکب باشد. بدیهی است در پیشگیری از جرائم بعدی یا تشدید یا نتایج همان جرم مؤثرند. سیاست پیشگیری نیز به مجموعه رویه‌ها و خط‌مشی‌هایی اطلاق می‌گردد که اغلب از سوی دولت‌ها و در موارد نادر توسط مؤسسات خصوصی یا نهادهای بین‌المللی برای جلوگیری از ارتکاب جرائم ارائه می‌شوند (عبدالله نژاد، ۱۳۹۰: ۱۰). در قانون پیشگیری از جرم مصوب سال ۱۳۹۰ و چاپ در روزنامه رسمی در سال ۱۳۹۴ قوای دیگر را نیز ملزم به استفاده از ابزار مناسب برای پیشگیری از جرم کرده است در ماده ۶ این قانون آمده است: «هر یک از قوا موظف‌اند با استفاده از سازوکارها و ساختارهای خود نسبت به تحقیق و مطالعه درباره علل وقوع جرم و راه‌های پیشگیری از آن اقدام نمایند ...».

سازمان بازرسی کل کشور

نظارت سازمان‌ها بر نهادها به منظور حصول اطمینان از حسن اجرای قوانین بیش از آنکه امری قضایی باشد، یک مأموریت پیچیده کارشناسانه است. در مراجع نظارتی قضائی همچون دیوان عالی کشور همه افراد دارای سمت قضایی هستند. در صورتی که در سازمان بازرسی به صورت موردی و اتفاقی چنین است. صلاحیت افراد در سازمان بازرسی صلاحیت اداری است. بدین معنی که در خصوص مسائل اداری می‌توانند اعمال نظر کنند و صلاحیت قضاوت و مجازات را ندارند (راسخ، ۱۳۹۵: ۱۲۷). این سازمان در انجام مأموریت قانونی خود، سلسله فعالیت‌های منظم و هدف‌داری را تحت عنوان نظارت و بازرسی از دستگاه‌های اداری انجام می‌دهد. در این اقدامات نحوه ایفای وظیفه یا عملکرد دستگاه‌های اداری بررسی شده و با تعیین جهت اختلاف و انحراف بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب و ارزیابی میزان اهمیت آن‌ها، تا موجب اصلاح و ارتقای سلامت نظام اداری شود (خبره، ۱۳۸۸: ۳۸). سازمان بازرسی کل کشور گرچه جزئی از دستگاه قضایی کشور است ولی خود تصمیم‌گیرنده و قاضی نیست بلکه کار آن به‌مثابه چشم ریزبین و دقیقی است که کل نظام اداری کشور را مراقبت می‌کند و آنچه را می‌بیند و تشخیص می‌دهد به مقامات ذی‌ربط گزارش می‌دهد ولی در عین حال در هر مورد که تعقیب جزائی ضرورت پیدا کند مراتب توسط سازمان به پیشنهاد بازرس یا هیئت بازرسی به دادستان محل (رئیس حوزه قضایی) اعلام و تا حصول نتیجه پیگیری می‌شود و در صورتی که خود دادستان یا حاکم شرع مورد تعقیب قرار گیرند مراتب سریعاً به شورای عالی قضایی (قوه قضاییه) گزارش تا دستور لازم صادر گردد (عمید زنجانی، ۱۳۶۶: ۳۷۴). با توجه به وظایفی که از سازمان بازرسی بیان شد و اینکه این سازمان در صلاحیت قضاوت و مجازات نیست، بنابراین ماهیت سازمان، ماهیت غیرقضایی است. گرچه وابستگی سازمان به قوه قضاییه بر اساس قانون تضمین شده است و نظارت سازمان شامل دستگاه‌های قوه قضاییه نیز می‌شود که این نظارت غیرقضایی را می‌توان یک نظارت سلسله مراتبی دانست لذا پیشنهاد می‌شود که سازمان بازرسی بر اساس سیاست‌های کلی نظام، اصول اخلاقی خصوصی سازی شود و با توجه به اهمیت امر نظارت توسط این سازمان، واگذار شود.

سازمان ثبت اسناد

فعالیت‌های سازمان ثبت متوجه می‌شویم که بسیاری از امور اجرایی در این سازمان با فعالیت‌های قوه مجریه تطابق بیشتری دارد. در جایگاه فعلی سازمان ثبت در قوه قضاییه، قاضی، ناظر و مجری در یک قوه قرار دارند و بسیاری از مشکلات در این زمینه به دلیل مشکلات ساختاری و سیستمی است. با جداسازی نهاد مجری از نهاد

قضاوت تا حدودی بتوان از مشکلات در این زمینه کاست. عدم وجود نظارت از سوی مجلس بر سازمان است که این سازمان را مستعد و به صورت بالقوه در معرض فساد قرار می‌دهد چرا که این سازمان در مقابل مجلس پاسخگویی ندارد و تنها در مقابل قوه قضاییه مسئول است و این درحالی است که قرار گرفتن این سازمان ذیل وزارت دادگستری می‌تواند باعث نظارت مؤثر و مستمر مجلس باشد. در ماده ۹ لایحه تبیین وظایف و اختیارات وزارت دادگستری که در زمان ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد در دستور کار کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس قرار گرفت، انتقال سازمان با تمام اموال، ساختمان‌ها، اعتبارات، ردیف‌های بودجه و نیروی انسانی مورد پیش‌بینی قرار گرفته بود (ریاضی نوبری، ۱۳۹۵: ۸۲).

سازمان پزشکی قانونی

در برخی از کشورها حل و فصل مسائل پزشکی قانونی در انستیتوهای وابسته دانشگاه‌ها انجام می‌گیرد. وزارت دادگستری در مواردی که به اظهارنظر پزشکی قانونی نیاز دارند آن مورد را به پزشکان قانونی متخصص ارجاع می‌دهند که در آن انستیتوها خدمات علمی و آموزشی را بر عهده دارند و در ضمن به‌عنوان کارشناس رسمی از طرف وزارت دادگستری پذیرفته شده‌اند. هر قاضی مورد کارشناسی را به پزشکی قانونی ارجاع می‌دهد که اعتماد بیشتری به او داشته باشد و حق‌الزحمه این پزشکان مانند دیگر کارشناسان رسمی دادگستری قابل پرداخت خواهد بود (دیباچی، ۱۳۸۶: ۹). سازمان پزشکی قانونی وظایفی به عهده دارد که همگی به امور پزشکی و آزمایشگاهی و تشخیصی ارتباط مستقیم دارند. (گودرزی بروجردی، ۱۳۹۱: ۱۲۵). همان‌گونه که در سال ۱۳۴۷ نمودار سازمانی وزارت دادگستری که به تأیید سازمان امور اداری و استخدامی کشور رسید و پزشکی قانونی جزء واحدهای تابعه معاونت قضایی وزارت دادگستری قرار گرفت، نظریه الحاق سازمان به وزارت دادگستری که زیرمجموعه قوه مجریه است، هماهنگی‌هایی در این زمینه با وزارت بهداشت می‌تواند بر کارایی و اثربخشی هر چه بهتر به مردم و بهبود وضعیت رفاهی و شغلی کارکنان و متخصصان سازمان منجر شود، خالی از لطف نخواهد بود.

سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی

در صورتی که اجرای حکم دادگاه را خارج از ماهیت حکم صادره بدانیم به این ترتیب می‌توان گفت که اجرای حکم امری غیرقضایی است و الزاماً نباید توسط مراجع قضایی به اجرا گذاشته شود و در همین راستا می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که به‌موجب بند ۴ اصل ۱۵۶ قانون اساسی «کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام» یکی از وظایف قوه قضاییه است. این بند ناظر به مراحل قبل و بعد از رسیدگی قضایی است. حکم به مجازات کار قاضی در مقام رفع مرافعه است ولی اجرای مجازات به‌عنوان یکی از مصادیق اجرای حکم بر ایجاد تکلیف بر اجرای مجازات مبتنی بوده و از این نظر شبیه الزام ناشی از تصویب قانون توسط مقنن است که برای تابعان قانون ایجاد تکلیف می‌کند. لذا باید گفت که اجرای مجازات جنبه قضایی ندارد (جمشیدی، رستمی غازانی، پیشین: ۴۸). شاید بتوان همان‌گونه که در سال ۱۳۷۳ دو زندان وکیل‌آباد مشهد و زندان عادل‌آباد شیراز کردند، سازمان زندان‌ها را به بخش خصوصی واگذار کرد. در سال ۱۳۷۳ خصوصی‌سازی در زندان وکیل‌آباد شروع شد و کمتر از ۳ سال واگذار شد. در بدو امر،

مقامات با ورود بخش خصوصی به زندان مخالف بودند و در برابر آن مخالفت می‌کردند. با وجود این بخش خصوصی وارد عمل شد. (جلیل زاده، ۱۳۹۲: ۱۶). در بند نهم اثربخشی اقدامات اصلاحی در زندان در سند تحول قضایی آمده است، که برای اصلاح مجرمان و ترمیم روابط اجتماعی سالم زندانیان برای مشارکت نهادهای مردمی زمینه‌سازی شود. از دیگر مواردی که به ورود نهادهای مردمی و بخش خصوصی به سازمان زندان‌ها اشاره شده است، حمایت از زندانیان و کمک به بازگشت محکومان به زندگی شرافتمندانه و ایجاد اشتغال برای خانواده زندانیان است.

سازمان روزنامه رسمی

در خصوص این سازمان باید گفت، هرچند مصوبات مجلس پس از چاپ و انتشار در این روزنامه عملاً اجرا می‌شود، اما از آنجاکه تجربه نشان داده است در مواردی روسای جمهوری مایل به نشر قانونی نیستند و دخالت قوه مقننه به استناد تبصره اصلاحی ماده ۱ قانون مدنی لازم می‌آید. اگر گفته شود روزنامه رسمی کشور باید تابع قوه مقننه باشد منطقی‌تر است. زیرا وزیر دادگستری هرچند منتخب رئیس قوه قضاییه، ولی مرئوس رئیس‌جمهور است. در حالت مفروض ممکن است از چاپ و نشر قانون با وجود دستور رئیس مجلس خودداری کند و این مورد اشکال خواهد بود (معصومی زاده، ۱۳۹۶: ۱۳۲). در نظر دیگر عنوان می‌شود، سازمان روزنامه رسمی عهده‌دار نشر قوانین و مقررات مصوبات مجلس و تصمیماتی است که برای اشخاص اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی و نیز سازمان‌های دولتی و غیردولتی لازم‌الاجرا است. سازمان روزنامه رسمی از بدو تأسیس تحت نظارت وزارت دادگستری سابق و پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحت نظارت قوه قضاییه بوده است. با توجه به اینکه سازمان روزنامه رسمی نیز صرفاً متولی چاپ و نشر قوانین و مقررات و آرا و تصمیمات نهادهای تقنینی و قضایی است مسلماً یک نهاد اجرایی و خدماتی محسوب می‌شود و خارج از ساختار و شرح وظایف قوه قضاییه است. لذا اگر اداره و نظارت بر این سازمان در زیرمجموعه قوه مجریه قرار گیرد کارایی مطلوب‌تری را خواهد داشت.

دانشگاه علوم قضایی

اولین مقررات دائمی که پس از انقلاب در خصوص هیئت‌های امنای دانشگاه وضع شده و تاکنون نیز معتبر و مورد عمل است، قانون تشکیل هیئت‌امنا دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مصوب سال ۱۳۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی است (بنائی اسکویی، ۱۳۹۴: ۴۰). یکی از آفات دانشگاه علوم قضایی اشتغال قضات به کاری غیر از کار اصلی و تخصصی آنان است که باعث می‌شود تجربه آنان که باید و از طرف دیگر هزینه‌هایی که دولت در راستای اهداف قوه قضاییه صرف آموزش آنان کرده است از بین برود، به عبارت دیگر قوه قضاییه با مسئله افزایش بیش‌ازحد مشاغل مدیریتی قضایی روبرو است به طوری که تقریباً برای هر چهار قاضی یک مدیر وجود دارد (آقائی طوق، ۱۳۹۵: ۲۵۰). «وزارت دادگستری مکلف است به منظور تأمین کادر موردنیاز اعم از قضایی و اداری با همکاری وزارت علوم و آموزش عالی به تأسیس دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری دادگستری اقدام نماید و داوطلبان خدمت در دادگستری از بین فارغ‌التحصیلان دانشکده مذکور و سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی طبق قوانین مربوط انتخاب کند». در ماده ۳۶ همان قانون آمده

است: «و علمی دانشکده مزبور و ترتیبات لازم دیگر مصوب وزارت دادگستری و وزارت علوم و آموزش عالی است.»

خصوصی سازی وظایف غیر قضایی قوه قضاییه

ابلاغ اوراق قضایی

می توان این امور را در زیرمجموعه امور اداری قضائی که قابلیت واگذاری به بخش خصوصی را دارند قرارداد. از این رو در ماده ۱۷۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ آمده است که: «قوه قضاییه می تواند ابلاغ اوراق قضائی واگذار کند. این ماده به موجب آیین نامه ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون توسط وزارت دادگستری و ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه می شود و به تصویب رئیس قوه قضاییه می رسد.» این آیین نامه با عنوان " آیین نامه نحوه استفاده از سامانه های رایانه ای یا مخابراتی " در سال ۱۳۹۵ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسید. در ماده ۲۳ این آیین نامه آمده است: «مرکز می تواند از ظرفیت بخش خصوصی برای سامانه ابلاغ، استفاده کند. تعرفه استفاده از خدمات بخش خصوصی در این سامانه ها به طور سالانه به وسیله مرکز تعیین می گردد.» این آیین نامه در ۳۲ ماده و ۱۹ تبصره توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه رسید.

دفاتر الکترونیک قضایی

ارائه خدمات الکترونیک قضائی، از طرح های بزرگ و مهم دستگاه قضائی می باشد که مورد توجه و تأکید مدیران عالی دستگاه قضائی است. طرح خدمات الکترونیک قضائی عنوان طرحی است که به موجب آن ثبت و شروع دعای به دفاتر خدمات الکترونیک قضائی سپرده شده است. مراجعه کنندگان می توانند از طریق درگاه (پورتال) خدمات الکترونیک قضائی کلیه مراحل دادرسی از قبیل ارائه و پیگیری دادخواست، ارائه و پیگیری شکوائیه، ارائه لایحه، ارائه مدارک و مستندات و اطلاع رسانی پرونده و غیره را انجام دهند و جهت تصدیق این مستندات به دفاتر خدمات قضائی مراجعه کنند (جعفری، ۱۳۹۳: ۱۴).

اجرای احکام

فرآیند اجرای احکام در نظام جمهوری اسلامی ایران از آغاز شکل گیری تاکنون با مشکلاتی مواجه بوده است. در ماده ۱۸ دستورالعمل سامان دهی واحدهای اجرای احکام کیفری مصوب ۱۳۹۱ آورده شده است: «... جهت تسریع در اجرای احکام به تعداد لازم کارمند و مأمور انتظامی آموزش دیده (پلیس ویژه اجرای احکام) در محل دادسرا مستقر تا تحت نظارت دادستان نسبت به انجام امور محوله اقدام نمایند.» اما با توجه به اینکه تشکیل پلیس ویژه اجرای احکام پیش بینی شده است، می توان نهادی مستقل برای ایجاد کرد و از افراد دوره دیده و کارآمد در این زمینه استفاده کرد تا اجرای احکام به درستی صورت گیرد تا از تضییع حقوق افراد جلوگیری شود.

نتیجه‌گیری

۱. بر اساس اصل ۶۱ و ۱۵۶ و ۱۵۹ قانون (بین افراد، دولت و مردم) و صدور حکم مقتضی بر عهده قوه قضائیه می‌باشد، که این وظیفه توسط دادگاه‌ها (مراجع صالح) صورت می‌گیرد. قضات موظف‌اند که به دعاوی و اختلافات رسیدگی کنند و رای خود را مطابق با قوانین و احکام اسلامی صادر نمایند تا با این امر، نزاع حاصله برطرف شود. لذا آنچه به ذهن تبادر می‌شود این است که رسیدگی و صدور حکم از وظایفی با ماهیت قضائی است و این وظیفه از جمله اموری است.
۲. و از طرفی بیم آن می‌رود که در صورتی که غیر از قوه قضائیه مرجع دیگری به این اختلافات رسیدگی کند موجب تبانی در صدور حکم شود، نمی‌توان انجام و اجرای این وظیفه را به نهاد دیگر و بخش خصوصی واگذار کرد و واگذاری آن برخلاف قانون اساسی و همچنین برخلاف دیگر قوانین نظیر ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری است که، امور با ماهیت قضائی را از اعمال حاکمیتی دولت برشمرده است و امکان واگذاری این اعمال به بخش خصوصی وجود ندارد.
۳. با قرار گرفتن نهاد خجایی که غالباً با دارای کار اجرایی هستند و به عبارتی دادگاه محسوب نمی‌شوند در زیرمجموعه قوه قضائیه، از دست داده است. لذا به منظور اینکه قوه قضائیه برای انجام وظایف اصلی خود (وظایفی با ماهیت قضایی) چابک سازی شود مستلزم آن است که این نهادها از زیرمجموعه این قوه خارج شده و به قوه مجریه واگذار شود و از ظرفیت‌های وزارت دادگستری استفاده شود. و به جای آنکه در زیرمجموعه دستگاه قضائی باشند، باید از چارت این نهاد جدا شده و به قوه مجریه و یا به بخش خصوصی واگذار شوند. همان‌گونه که در سند تحول قضایی این امر پیش‌بینی شده است. در این سند مکرراً قوه قضائیه را ملزم به استفاده از ظرفیت نهادهای مردمی کرده است.

منابع:

1. Mr. Toogh, Muslim, (2016), Judicial Research, Tehran, Judiciary Publications
2. Dibaei, Amir, Abstract of Forensic Medicine, (2007), Ahvaz, Jundishapur University of Medical Sciences, Third Edition, Volume 1
3. Rasekh, Mohammad, (2016), Supervision and Balance in the Constitutional Law System, Qom, Drak Publications, Third Edition
4. Sadegh Manesh, Jafar, (1351), Judicial Officers, Tehran, Judiciary Publications
5. Adl, Mansour Al-Saltanah, (2010), Principles of Constitutionalism, Tehran, Cheshmeh Publishing, First Edition
6. Amid Zanjani, Abbas Ali, (1987), Political Jurisprudence, Tehran, Amir Kabir Publishing, First Edition
7. Kashani, Seyed Mahmoud, (2004), International Standards of Justice, Tehran, Mizan Publishing, First Edition
8. Gordzi Boroujerdi, Mohammad Reza, (2012), Introduction to the Judiciary and Prisons Regulations, Tehran, Khorsandi Publications, Second Edition
9. Banai Oskooi, Majid, (2015), Status and Legal Scope of the Approvals of the Boards of Trustees of Universities and Educational and Research Institutions, Public Law Research Quarterly, No. 47, Year 17
10. Jamshidi, Alireza, Rostami Ghazani, Omid (2013), Concentration of Judicial Affairs in the Judiciary, Quarterly Journal of Judicial Law Perspectives, No. 6
11. Jalilzadeh, Morteza, (2013), The formation of private prisons and its comparative study in Iran and the United States, Justice Publications, No. 83
12. Expert, Valiullah, (2009), The Role of Good Governance in Combating Corruption and Financial Crimes, Danesh Magazine, No. 1
13. Ghamami, Seyed Mohammad Mehdi, Moradi Berlian, Mehdi, (1397), The Possibility or Refusal of Privatization of Judiciary Issues, Legal Journal of Justice, Vol. 114
14. Najafi, Zainuddin, (2005), Private Judicial System by Judge Tahkim Method, Journal of Jurisprudence, Vol. 77
15. Jafari, Hamidreza, (2014), The effect of the quality of electronic judicial services on citizen satisfaction, Master Thesis, Sistan and Baluchestan University

16. Mathematics, Nobar (2016), The position of the Minister of Justice in the structure of the government of the Islamic Republic of Iran, Master Thesis, Islamic Azad University of Tehran Markaz
17. Abdullah Nejad, Nasser, (2011), A Comparative Comparison of Crime Prevention in Iran and France, Master Thesis, Payame Noor University of Tehran
18. Orizi, Faezeh Sadat, (2017), Execution of Criminal Judgments in the Mirror of Iranian Criminal Policy, Master Thesis, Islamic Azad University, Taft Branch
19. Ghaempanah, Akbar, (2011), Legal position of the Minister of Justice and comparison of his duties and responsibilities with other ministers in the Iranian legal system, Master Thesis, University of Tabriz
20. Masoumizadeh, Seyed Hossein, (2017), Assessing the status of non-judicial institutions affiliated with the Judiciary, Master Thesis, Shahid Beheshti University